

من دانشجو چگونه رأی بدهم؟

دغدغه ذهنی این روزهای من وظیفه‌ایست که می‌گویند گر از نماز خواندن و روزه گرفتن مهمتر نباشد، کم اهمیت تر نیست. وظیفه‌ای که حتی تغییر سرنوشت یک نفرش هم برای من مسئولیت خواهد داشت، چه برسد به سرنوشت کشور عزیزم و مردمش که تصمیم من نه تنها برای ۴ سال بلکه شاید نتایج برخی تصمیماتی که در این مدت گرفته می‌شود برای سال‌ها اثراتش باقی بماند. پس چگونه رأی دادم اهمیت پیدا می‌کند؛ اما واقعا چطور باید رأی بدهم؟ به چه کسی؟ با چه ویژگی‌هایی؟

آن روز که انقلاب شد و مردم برای اعاده حق و در مقابل ظلم طبق رسالت همیشگی مسلمانیشان به پا خواستند، تغییر و تحولی بود برای تشکیل حکومت اسلامی، گامی به سوی نظامی اسلامی و جامعه‌ای با سازمانی اسلامی و در نهایت تشکیل تمدنی اسلامی با قوانینی کاملا اسلامی، در واقع به سوی مدینه‌ای فاضله به دست صاحب اصلی‌اش. برای تحقق گام اول این مسیر، یعنی تشکیل حکومت اسلامی، انسان‌های بسیار زیادی جان خود را فدا کردند و پرچم را بدست ما رساندند تا با تصمیم‌هایمان ادامه دهنده راهشان باشیم. پس معیار اصلی این است که کسانی سرکار بیایند که همتشان بر حفظ عزت و حرکت کشور در جهت هدف‌های انقلاب باشد. گر انسان برطبق جهت شرعی کار کرد چنانچه بعدا هم غلط از آب درآمد باز سرفراز است و می‌گوید من به تکلیف عمل کردم. در جمهوری اسلامی انتخاب، انتخاب اصلح است؛ رقابت انتخاباتی. انتخاب فرد اصلح و دارای تقوا و تدبیر برای مقام ریاست جمهوری در قانون اساسی دارای اختیارات وسیع در اداره‌ی کشور است. وظیفه‌ای شرعی و عقلی و انقلابی‌ست و کوتاهی در این امر و یا در حضور درپای صندوق‌های رأی، خسارت‌های جبران‌ناپذیری به بار خواهد آورد. این کشور آسان استقلال خود را بدست نیاورده.

در نظام جمهوری اسلامی غیر از دانایی و کفایت سیاسی، کفایت اخلاقی و اعتقادی هم لازم است. بهترین آن شخصی است که درد مردم را بفهمد، با مردم یگانه و صمیمی باشد، از فساد دور باشد، دنبال اشرافی‌گری نباشد، معتقد به اسلام و جمهوری اسلامی و قانون اساسی باشد، این حساسیت به اندازه‌ای است که امام خمینی می‌فرمایند: "من متواضعانه از شما می‌خواهم که حتی‌الامکان در انتخاب اشخاص با هم موافقت نمایید و اشخاص اسلامی معتقد، غیرمنحرف از صراط مستقیم الهی را در نظر بگیرید و سرنوشت اسلام و کشور خود را به دست کسانی دهید که به اسلام و جمهوری اسلامی و قانون اساسی معتقد و نسبت به احکام نورانی الهی متعهد باشند و منفعت خود را بر مصلحت کشور مقدم ندانند."

یک رئیس جمهور باید شجاع باشد. بسیاری از ملت‌ها به این دلیل پیشرفت نکرده‌اند که مسئولان‌شان شجاعت نداشته‌اند، پس کسانی را باید انتخاب کرد که توانایی تشخیص مسائل را داشته باشند نه افرادی که اگر آمریکا یا دیگر دولت‌های زورگوی جهانی تشری زدن، بترسند. باید بایستند و مقابله کنند. مقام معظم رهبری معتقدند "این ملت چون ملت آزاده‌ای است، ملتی است که تهدید قدرت‌های مستکبر جهانی او را به عقب نمی‌نشانند، بنابراین نماینده او هم باید شجاع باشد و نترسد. شجاعت در مقابل دشمن، شجاعت در مقابل باطل، شجاعت در پذیرش حرف حق." رئیس جمهور باید دلسوز مردم باشد. مقام معظم رهبری می‌فرمایند بیشتر مشکلات ملت‌ها هر جا که رنجی برده‌اند این بوده که مسئولان دلسوزی که تنها همتشان برطرف کردن مشکلات مردم باشد در میان آن‌ها نبوده یا کم بوده. یکی دیگر از ویژگی‌های یک رئیس جمهور اصلح، داشتن تخصص است؛ از این جهت که موقعیت و وضعیت جامعه اسلامی را از حیث منطقه‌ای و جهانی به خوبی درک کند؛ دشمن‌شناس باشد، دشمن‌شناسی به این معنا که دشمن واقعی نظام جمهوری اسلامی را در ابعاد واقعی بشناسد. بیش‌تر مجال سخن نیست. در نهایت هدف این انقلاب، رسیدن به ظهور است و زمینه‌ساز تحقق این امر تشکیل دولت و جامعه اسلامی می‌باشد که سکان‌دار چنین دولتی باید مانع از انحراف کشتی از مسیر اصلی باشد تا این امانت به سلامت به دستان مبارک حضرت ولی‌عصر (عج) برسد؛ این‌شاء...

فوت‌بلاگ

۰۲ • ۹۶ • ۰۲

شماره چهارم سال ۹۶-۹۵

بسیج دانشجویی
دانشکده داروسازی
دانشگاه علوم پزشکی تهران



امام‌زمان (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف):

اگر شیعیان مابه‌اندازه
یک لیوان آب‌تشنه مابودند
ما ظهور می‌کردیم

به نقل از مرحوم فشنندی تهرانی در مسجد مقدس جمکران

Hamidfakhar.ir

خدا کند که بیایی؟

میترا نوروزی

چه انتظار پر جوش و خروشی! خدا کند که بیایی...

مظلوم کشی بیداد می‌کند؛ حیف که من گرفتار مسائل مهم‌تری هستم! کاش بیایی و حق مظلومان را بازستانی... خدا کند که بیایی...

بعضی‌ها گرگ شده‌اند و به جان دیگران افتاده‌اند. خداراشکر که من آرام و بی‌آزار باقی مانده‌ام. کاش بیایی و این گرگ‌های در لباس گوسفند را رسوا کنی... خدا کند که بیایی...

حمله‌های بی‌وقفه و ضربه‌های کاری‌تر شده‌اند. شکر خدا که من سنگر امن و دنجی پیدا کرده‌ام. کاش بیایی و از آسیب بدخواهان نجات‌مان دهی... خدا کند که بیایی...

نایب به حقتان چقدر غریب به نظر می‌رسد. کاش جنودی بفرستید تا همراهی‌شان کنند. من هم برای توفیقاتشان دعا خواهم کرد! خدا کند که بیایی...

چقدر شبیه "بار" شده‌ایم تا "یار" ... نمی‌دانم!

شاید تا به حال نگذاشتیم گوش دلمان بشنود که انتظار و نشستن، با هم جمع نمی‌شوند؛

که انتظار و زندگی منفعلانه، سرایی خطرناک است.

که "إن الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم"!

حتما برایمان راحت‌تر بوده این "خدا کند که بیایی"‌ها

سخت است اما

"خدا کند که بیاییم"...

من متواضعانه از شما می‌خواهم که حتی امکان در انتخاب اشخاص با هم موافقت نمایید و اشخاصی اسلامی متعهد غیرمنحرف از صراط مستقیم الهی در نظر بگیرید و سرنوشت اسلام و کشور خود را به دست کسانی دهید که به اسلام و جمهوری اسلام و قانون اساسی معتقد و نسبت به احکام نورانی الهی متعهد باشند و منفعت خود را بر مصلحت کشور مقدم ندارند. (صحیفه امام ج ۱۲ ص ۴۹)

یسار

کارگزاران حکوت

اخلاق سیاسی در اسلام جایگاهی ویژه دارد؛ چرا که اسلام از پیوند آشتی‌جویانه اخلاق و سیاست دم می‌زند و همواره در پی ارائه راهبرد به سیاستمداران است. پرآوازه‌ترین شخصی که در اسلام به اخلاق سیاسی توجه نشان داده، حضرت امیرالمومنین (علیه السلام) است. ایشان برای حاکم نمودن نظام اخلاقی معتبر در هر دو زمینه فردی و اجتماعی، از طریق کارگزاران سیاسی خود به اخلاقی نمودن سیاست دست زد. هدف مولای متقیان در اخلاقی کردن سیاست، اصلاح مردم بود؛ اصلاحی که هدایت اخلاقی مردم به سوی سعادت جمعی و رهنمون نمودن آنان به پیروی از دستورهای الهی و عقلی و غلبه بر هوای نفس و شهوت را مدنظر داشت. مؤلفه‌های شیوه اخلاقی حضرت در حکومت و سیاستمداری نشان از تلفیق آرمان با واقعیت دارد و اعلان می‌کند که امام علی (علیه السلام) آرمان‌گرایی واقع بین بود. برای هرچه بیشتر آشنا شدن با مولفه‌های اخلاق سیاسی امام علی (علیه السلام) نگاهی به نامه آن حضرت به مالک اشتر می‌اندازیم:

۱ "حق طلبی" نخستین مؤلفه اخلاقی کردن سیاست در شیوه حکومتی امیرمؤمنان است. این مؤلفه یکی از اساسی‌ترین ارکان جامعه علوی به شمار می‌آید و تقریباً زیربنای چنین جامعه‌ای را تشکیل می‌دهد. "حق" اگر به معنای حقیقت و واقع، ضد باطل و راستی و درستی باشد، به موازین متعددی در گفتار و کردار مولای متقیان برمی‌خورد. یکی از این موازین، اهمیت واقعیت است. در این جلوه، زمامداران جامعه علوی سفارش می‌شوند به پرهیز از گفتار خلاف واقع و گزینش مشاورانی که تذکر به حق می‌دهند؛ گرچه تلخ باشد. به علاوه تأکید حضرت بر اقامه حق یا کاربست آن و دفع باطل یا نفی ستمگری، جلوه دیگری از موازین حق در این معنا به نظر می‌آید. تأکید امام (علیه السلام) بر دوری از باطل‌های فرورفته در حق همچنان سفارش به پرهیز از خونریزی‌های ناحق سبب شد تا هدایت جامعه به سوی حق و میراندن باطل یکی از راهبردهای سیاسی جامعه علوی به شمار آید.

۲ از دیگر مولفه‌های اخلاق سیاسی در کلام و منش امیرالمومنین، اجمالا می‌توان عدالت محوری، ابزارانگاری قدرت، کرامت انسانی، مردم‌گرایی، صلح‌مداری، عهدمندی، مصلحت‌سنجی را برشمرد.

۳ و اما "تقوای سیاسی" یکی از مهم‌ترین مؤلفه اخلاقی کردن سیاست در شیوه حکومتی امام علی (علیه السلام) است. این مؤلفه به روشنی در ابتدای نامه آن حضرت به مالک اشتر دیده می‌شود؛ آن جایی که مالک به تقوای الهی؛ یعنی تنظیم رابطه با زیردستان در مسیر کمال مطلق مأمور می‌گردد. به علاوه از آنجا که حضرت هرچه برای خود می‌پسندید برای دیگران هم پسند می‌نمود، این فرمان از حالت شخصی و فردی بودن صرف خارج می‌شود و بر تقوای سیاسی زمامداران تأکید می‌کند. تقوای سیاسی عبارت است از "آمادگی سیاستمدار برای به دست آوردن و به کار بستن کامل معلومات و تجارب و بهره‌برداری از استعداد‌های مربوط به توجیه حیات معقول مردم جامعه با کمال اخلاص." (ادامه در صفحه ۲)

بشنوید

یک رئیس جمهور



انسان فرهیخته | کلیپ

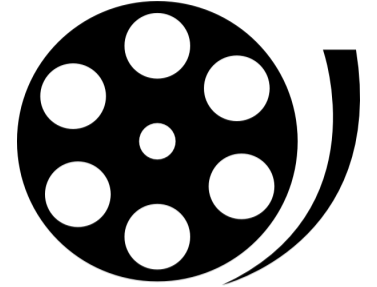
یکی از چیزهایی که برای تشکّلها به نظر من خیلی لازم است و خوب است، فهم وضع کنونی کشور است. وضع کشور، منظور فقط وضع داخلی و مشکلات موجود و همین مطالبی که گفتند - مسائل مربوط به روستاها، عدالت‌خواهی، اقتصاد مقاومتی، مشکلاتی که هست، مشکلات مدیریتی، مدیریت جهادی و مانند اینها- نیست؛ اینها البته جزئی از واقعیت‌ها است. اولین فریضه دانشجویی آرمان‌خواهی است. آرمان‌خواهی مقابل محافظه‌کاری است، نه واقع‌گرایی... از واقعیت‌های خوب استقبال و با واقعیت‌های منفی مبارزه کنید... واقعیت‌ها نباید ما را از آرمان‌ها دور کند، بلکه باید مثل پلکان ما را به آرمان‌ها نزدیک کند.



میکروگفت | تحول‌گرایی



کلیپ | به نام من!



کارگزاران حکومت

ادامه

سید علی اصغر علوی

جای خالی عباس

... چنین تقوایی جامعه را اندام‌وار می‌بیند و سیاستمدار را موظف می‌نماید تا اندام جامعه را چون اعضای پیکر مادی، اجزاء، استعدادها و نیروهای درونی خود تلقی نماید؛ اندامی که چونان اعضای افراد با مدیریت پویا در جاده کمال رشد خواهد کرد.

ضرورت وجود این مؤلفه با تأکیدهای امام علی(ع) رنگ واقعی‌تری به خود می‌گیرد. زمانی که مولای متقیان به نابرابر بودن بی‌تقوایان و باتقوایان اشاره می‌کند. و آن هنگامی که متقی بودن را شرطی برای کارگزاران و ارتشیان خود به حساب می‌آورد. می‌توان جلای این مؤلفه را به چشم دید. به علاوه نشانه‌های تقوای سیاسی سیاستمداران در بیان مولا و فرمان وی به پرهیزهای گوناگون، چنان اثری به این عنصر می‌بخشد که ادعای فردی بودن صرف تقوا جایی برای عرض اندام نمی‌یابد. در این راستا علامه جعفری باور دارد که آمادگی زمامدار برای توضیح فعالیت‌ها، شکوفایی رحمت و محبت و لطف و حق‌گرایی و عدل‌پروری زمامدار درباره مردم جامعه و تکاپوی حاکم بر سعادت جامعه، نشان از تقوای سیاسی او دارد. از دیگر سو، دستور حضرت امیر(ع) به پرهیز از تمایلات نفسانی گروهی و فردی، پرهیز از پنهان‌کاری و توطئه، پرهیز از فساد حاکم برای اصلاح جامعه، پرهیز از کم‌کاری و غفلت در امور مردم و... ضرورت بنیانی این مؤلفه را گوشزد می‌کند.

در نهایت باید توجه داشت که تقوای سیاسی حالتی یک سوپه ندارد. به عبارت دیگر، وجود صرف این ویژگی در سیاستمدار کمال جامعه را در پی نخواهد داشت، بلکه مردم جامعه نیز باید فرهنگ و درک استفاده از زمامدار باتقوا را داشته باشند. در غیر این صورت، زمامداری که در حد اعلای رشد و کمال تقوای سیاسی باشد، به زجر و شکنجه و دل‌شکستگی دچار می‌گردد. همان گونه که مولای متقیان از مردم بی‌وفای کوفه چنین ضربه‌ای را متحمل گردید. از سوی دیگر، اختلال در تقوای سیاسی سیاستمدار نیز بدون تردید اثر خود را در جامعه بر جای می‌نهد و از رشد و کمال و هماهنگی مردم آن می‌کاهد. در مجموع می‌توان باور داشت که تقوای سیاسی و فردی، از عناصر تأثیرگذار در اخلاق سیاسی امام علی(ع) به شمار می‌آید.

¹ با الهام و تلخیص از اخلاق سیاسی امام علی(ع) با تکیه بر نامه مالک اشتر، مجله دانش پژوهان، پاییز و زمستان ۱۳۸۵، شماره ۹

حضرت ابوالفضل نیز در مقام تسلیم محض نسبت به سیدالشهدا بودند. در اذن دخول حرم حضرت ابوالفضل علیه‌السلام می‌خوانیم: «أَشْهَدُ لَكَ بِالتَّسْلِيمِ وَ التَّصَدِيقِ وَ الْوَفَاءِ وَ النَّصِيحَةِ» که وقتی از دور هم نگاه می‌کنیم، صفات تسلیم و تصدیق وفا و نصیحت را در ایشان می‌بینیم.

تسلیم محض اول آمده و بعد تصدیق؛ یعنی تا انسان در قلبش تسلیم محض خدا و ولی او نباشد، نمی‌تواند او را تصدیق کند و هر حکمی کرد، زیر بار آن برود، به‌خصوص در مورد ایشان که با نقش خود در روز عاشورا مسیر تاریخ را عوض می‌کند.

سلمان که پیامبر فرمودند: «از ما اهل بیت است» و صاحب اسم اعظم و صاحب آن مقامات بالا بود، در جریان آتش زدن خانه حضرت علی علیه‌السلام در روایت است که «وقع فی قلب سلمان شیء» یعنی در دل سلمان چیزی واقع شد و احساسش این بود که حضرت که صاحب اسم اعظم هستند، چرا تصرفی در این صحنه نمی‌کنند. در روایت آمده است که حضرت به او فرمودند: بیعتت را تجدید کن.

جریان عاشورا کم‌تر از این جریان نبود، اما در قلب حضرت ابوالفضل کوچک‌ترین واقعه‌ای رخ نداد و در کل راه، در هیچ مرحله‌ای هیچ شکی در ایشان به وجود نیامد.

بنابراین هر امتحانی ظاهر و باطنی دارد؛ مثلاً لیلۃ المبیت را خیلی‌ها می‌گویند ما هم بودیم جای پیامبر می‌خوابیدیم تا حضرت زنده بماند و ما بمیریم؛ اما وقتی که امتحان واقع می‌شود معلوم است چه خبر است، هنگامی که حضرت علی علیه‌السلام در لیلۃ المبیت به‌جای پیامبر خوابیدند، خداوند به جبرئیل و میکائیل فرمودند کدام یک از شما حاضر است در حق دیگری این کار را بکنند؟! فرمودند نمی‌توانیم.

مقام تسلیم حضرت ابوالفضل نیز این‌طور که ما فکر می‌کنیم، نبوده، بلکه حضرت، ایشان را در کوره سخت‌ترین امتحانات عالم برده بودند. آن چه امام حسین در روز عاشورا به اصحاب خود دستور دادند، از آن چه امام صادق از ابوهارون خواست سخت‌تر است. امام صادق به ابوهارون مکفوف فرمود: «ألق النعل من یدک و اجلس فی التنور» کفش‌هایت را از دستت رها کن و در تنور بنشین. او کفش‌هایش را رها کرد و در آتش رفت.

تکلیفی که حضرت در روز عاشورا روی دوش اصحابشان گذاشتند قابل مقایسه با چنین چیزی نیست. این که شب قبل به آن‌ها فرمود بروید به خاطر این بود که تکلیف بسیار سخت بود و می‌خواست آن‌ها را مهیا کند تا تنها کسانی بمانند که بتوانند این بار را بردارند.¹

ولایت‌پذیری از امام علی(ع)

مرحوم مقرر، از علمایی است که یک کتاب برای ابوالفضل علیه‌السلام نوشته است. علامه امینی در کتاب الغدیر از مرحوم مقرر تقدیر کرده است. ایشان می‌گوید: این که آب نخورد، این وصیت پدرش بود. امیرالمؤمنین، ابوالفضل را صدا زد و گفت: بیا. گفت: پسرم وقتی در کربلا دستت به آب رسید تا زمانی که برادرت و بچه‌ها تشنه هستند، آب نخور. یاد تشنگی بچه‌ها باش. ضمناً سفارش امیرالمؤمنین هم بود.¹

ولایت‌پذیری در زمان تشییع امام حسن(ع)

بدن مقدس امام حسن مجتبی را همین که روی تابوت بود، تیرباران کردند. ابوالفضل شمشیر کشید. امام حسین فرمود: جلوی او را بگیرید. امام حسن گفته است که در تشییع جنازه من خونی ریخته نشود.

عباس شدن!

ما باید این‌طوری باشیم؛ یعنی با این که در کربلا نبودیم، ولی باید در نیت و عزم این‌طوری باشیم. عزم غیر از هوس است. هوس خوب شدن را همه دارند، ولی به درد نمی‌خورد. باید عزم خوب شدن را داشته باشیم. اگر اخلاق و عرفان و آن حزن‌ها نباشد، اتفاق بعدی نمی‌افتد. در زیارت امام حسین بیان می‌کنیم: اگر با تو بودم، جان خودم را سپر تیزی شمشیر قرار می‌دادم که به تو اصابت نکند. تا اصحاب عاشورا بودند، نگذاشتند که کسی از بنی‌هاشم مجروح بشوند. در ادامه می‌فرماید: باقی‌مانده جانم را فدای تو می‌کردم، پیش روی تو جهاد می‌کردم و یار تو بودم، خودم، جسم، جان، مال و فرزندانم را فدای تو می‌کردم، روحش قربانی روح تو اهلش سپر اهل تو می‌شدند. چه‌طور می‌شود که انسان این‌گونه شود؟ ما باید به این‌جا برسیم.

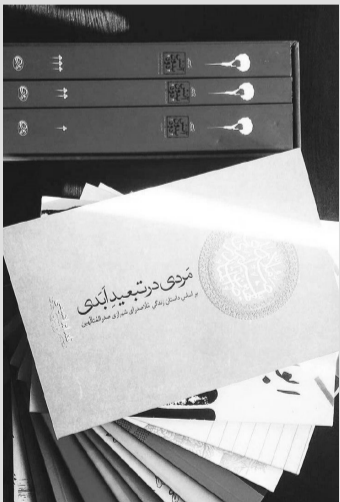
خودمان را طوری بسازیم که روز عاشورا کنار امام حسین علیه‌السلام باشیم و خودمان و اهل‌مان سپر سیدالشهدا باشیم. حرف وحدیت هم نباشد. باید ببینیم که الآن جان ما با امام است یا خیر. در زیارت عاشورا با تضرع می‌خوانیم که من با شما باشم. این کار آسانی نیست. حضرت دارد به‌طرف خدا می‌رود و همه ما دعوت هستیم. اگر شما از دنیا کوچ کنید، امام بار شما را می‌برد. امام داعی الله است. ما آماده کوچ هستیم و باید خون‌مان را در کف دستمان بگذاریم. فضای دستگاه امام حسین علیه‌السلام خیلی آماده است و می‌شود حر شد. ما هرچقدر اهل سرعت باشیم، باز در روز قیامت غبطه می‌خوریم. امام سجاد علیه‌السلام می‌فرماید: خدای متعال، مقامی به حضرت ابوالفضل می‌دهد که همه شهدا غبطه می‌خورند! یعنی وقتی حبیب نگاه می‌کند، می‌بیند که بیش‌تر می‌توانست از امام حسین علیه‌السلام بهره‌مند شود. این یک راه میانه است. زهیر باید چقدر نماز می‌خواند تا به این‌جا برسد؟ آیا حر با نماز به این مقام می‌رسید؟ همه عمر فرصتی است برای به امام رسیدن و بقیه راه، امام ما را می‌برد. ما در منظومه شمس هستیم و او ما را با خودش می‌برد. ما باید به امام برسیم. مواظب باشید که فرصت‌ها از کف نرود و به امام برسید.

معرفی کتاب

مردی در تبعید ابدی
نویسنده: نادر ابراهیمی
ناشر: روزبهان

محمد قدری بی‌پروا بود، یا بی‌دغدغه؛ و این رسم آن روزگار نبود. ابراهیم دوست نداشت که سر پاسخ‌های گه‌گاهی پسر، بالا باشد. به همین دلیل، از گفتگوی با او اکراه داشت، یا بیم - گرچه محمد آموخته بود که در نهایت ادب سخن بگوید؛ و در ادب بی‌اظطراب، برای مخالفان کتّاب، زهری هست...

داستانی مبتنی بر زندگانی فیلسوف و عارف بزرگ مسلمان، ملاصدرا شیرازی، صدرالمآلهین. نویسنده با قلم جادویی خود، زندگی متفاوت یک فیلسوف را به شیرینی هرچه تمام‌تر، تصویر کرده است. لذت قدم‌زدن در دنیای عجیب و پر رمز و راز فلسفه را با خواندن این کتاب، خواهید چشید.



نوشتارو

شماره چهارم سال ۹۶-۹۵؛ اردی‌بهشت ۱۳۹۶

بسیج دانشجویی دانشکده داروسازی، علوم پزشکی تهران

در صورت تمایل به همکاری با تحریریه‌ی نشریه، لطفاً از طریق رایانامه و یا مراجعه‌ی حضوری به دفتر بسیج دانشکده اقدام نمایید.

رایانامه	bptums@chmail.ir
پایگاه اطلاع‌رسانی بسیج داروسازی	bptums.blog.ir
کانال تلگرام بسیج داروسازی	telegram.me/bptums
اینستاگرام بسیج داروسازی	Pharmagram_tums

فایل نشریه را از اینجا دریافت کنید:



¹ برگرفته از سخنرانی حجت‌الاسلام میرباقری

² برنامه درس‌هایی از قرآن سال ۷۱، حضرت ابوالفضل علیه‌السلام، ص ۶

³ برگرفته از سخنرانی حجت‌الاسلام والمسلمین سید محمد مهدی میرباقری